

مدخل‌های مهمی چون امامت و عصمت و نیز مدخل‌های مربوط به بزرگ‌ترین دانشمندان شیعه، مانند هشام بن حکم، کلینی، مفید، گشی، محقق کرکی، کاشف‌الغطاء، رانوشته است، به خوبی از فرقه‌های درونی شیعه آگاه است و می‌داند که باید بین اهل تسنن و شیعیان تمایز قائل شود و همین‌طور شیعیان امامی را از شیعیان زیدی و اسماعیلی جدا نماید. نکته دیگری که نشان از توجه مادلونگ به منابع معتبر دارد آثاری است که او در خصوص منابع فقهی و منابع کلامی تألیف کرده است. «منابع فقه اسماعیلی»^۸ و «ملاحظات پیرامون کتاب‌شناسی فرق امامی»^۹ مقاله‌هایی از او هستند که در خصوص منابع فقهی و کلامی نوشته شده‌اند.

مجموعه این عوامل باعث می‌شود یک محقق بتواند درباره اعتبار یا عدم اعتبار منابع استفاده‌شده از سوی یک نویسنده اظهار نظر نماید. به نظر می‌رسد، با این شواهدی که در میان آمد، بتوان ادعا کرد که، در میان اسلام‌پژوهان و شیعه‌پژوهان غربی، ویلفرد مادلونگ از شخصیت‌هایی است که به لحاظ روشی توانسته آثار خویش را با روش‌های علمی و مبتنی بر منابع معتبر و قابل قبول ارائه دهد.

+

۲. تفکیک منابع به لحاظ موضوعی (کلامی، تفسیری، حدیثی، و...)^{۱۰}

در پژوهش‌های امروزی توجه به حیثیت تخصص پژوهش بسیار مهم است، یعنی، به عنوان مثال، اگر متن نوشته‌شده ماهیت کلامی دارد باید به منابع کلامی و اگر ماهیتی فقهی دارد به منابع فقهی ارجاع داده شود و همین‌طور در حوزه‌های دیگر.

منابع کلامی خود بر دو دسته‌اند: منابع خام و منابع فرآوری‌شده؛ منابع خام اصلی‌ترین متون دینی مانند قرآن و مصادر حدیثی هستند که بدون هیچ برداشت یا تفسیری در اختیار ما قرار دارند، اما منابع فرآوری‌شده منابعی هستند که برداشت‌ها و تفسیرهای خاصی را با استفاده از منابع خام و همین‌طور با استفاده از شیوه‌های خاص بیان کرده‌اند.

پروفسور مادلونگ در آثار خود به این نکات توجه جدی دارد. برای آنکه بتوان در این خصوص قضاوت کرد بهتر است همین دو مورد را که ذکر کردیم در آثار او پی بگیریم:

